

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دمیتری مینین - (Dmitriy Minin)

برگردان از: ا. م. شیری

۲۶ جون ۲۰۱۴

## آیا بغداد سقوط خواهد کرد؟

جیش سریع جهادگرایان داعش به سوی بغداد بسیاریها را در حیرت فروبرد و بار دیگر همه نقشه ها را در صحنه سیاسی خاورمیانه به هم زد. جنبش متشکل از قریب ۵۰ هزار شبه نظامی در اراضی وسیع دو ساحل فرات در سوریه و عراق، توانست در عرض چند روز یک چهارم ارتش منظم عراق را به معنی واقعی کلمه تار و مار نماید. شهرهای بسیاری، از جمله شهر دو میلیونی موصل اشغال شد، مقادیر متنابهی تسلیحات سنگین- زره پوشها (تا ۲۶۰ دستگاه)، توپها، هلیکوپترها، به اضافه نیم میلیارد دالر نقدی که به دست شبه نظامیان افتاد، امکانات گسترده ای را برای دستیابی داعش به اهداف بزرگتر فراهم آورده است. با این پول کمبود نفرات به راحتی جبران می شود. هزاران جوان سنی در استانهای اشغالی به صفوف شورشیان می پیوندند.

سرکرده داعش، ابوبکر البغدادی معتقد است، که فقط او «وارث به حق» اسامه بن لادن و رهبر همه مسلمانان متمایل به «القاعده» و طرفدار تشکیل خلافت جهانی می باشد نه ایمن الظواهری مخفی شده در منطقه بین افغانستان- پاکستان. «داعش» ایمن الظواهری را به آن متهم می کند که او در جریان رویارویی داخلی سوریه از میان گروههای متمایل به «القاعده» از مخالفان «داعش» در داخل «جبهه النصره» پشتیبانی کرد. واقعاً، در میان خود سنی های عراق هم کسانی هستند که با پیروزی انحصاری «داعش» مخالفند. مثلاً، سران قبایل سنی که به شورش علیه دولت مرکزی پیوسته اند، مدعی هستند، که نقش اصلی در این پیروزیها را پولیس تحت تابعیت آنها بازی کرد. اعضای حزب حاکم سابق بعث هم که به فعالیت مخفی روی آورده و به طرز عجیبی به اسلامگرایان پیوند خورده اند، سهم اصلی در موفقیتها را از آن خود می دانند. در عین حال، رعد، دختر رئیس جمهور معدوم، صدام حسین، پس از آن که شبه نظامیان شهر زادگاه پدر او، تکریت را به اشغال خود در آوردند، در مصاحبه با روزنامه القدس اظهار داشت: «من خوشبختم که شاهد همه این پیروزیها هستم، این پیروزی سربازان پدرم و عمویم عزت الدوری می باشد. بالاخره من زمانی به عراق باز می گردم و به سر خاک پدرم می روم. ممکن است، این واقعه خیلی زود اتفاق نیفتد، اما حتماً روی خواهد داد». اگر چه قطعات بعثی در تکریت تحت فرماندهی الدوری، معاون سابق رئیس جمهور و معاون فرمانده کل عراق هستند، احتمالاً، نقش معینی هم بازی کردند، اما واضح است که هسته اصلی شورش سنی ها را در همه حال، «داعش» تشکیل می دهد. اما دلایل ظهور این پدیده بی تردید، مهم و منطقه ئی جدید، حتی سیاست جهانی (کافیست جهش قیمت های جهانی نفت در نظر گرفته شود) و تخریب دولتمداری عراق با این سرعت چه بود؟

به نظر می‌رسد، که این شکست نوبتی و بسیار روشن الگوی امریکائی تشکیل جامعه خاورمیانه‌ئی، به اضافه همه مؤلفه‌های آن است. هیولای «فرانک اشتاینی» داعش یکی دیگر از پرورده‌های امریکا برای تحقق اهداف سیاسی نزدیک است که در صورت سرنگونی بشار اسد در سوریه کمترین نفعی ندارد، و به عکس، منافع منطقه‌ئی خالق آن را نیز مورد تعدی قرار می‌دهد. در نقطه مقابل، الگوی «سکولار-دمکراتیک» تحمیل شده واشنگتن به بغداد که همبیطوری هم نوری المالکی، نخست وزیر عراق نتوانست از آن بگریزد، کاملاً غیر قابل تحمل بود. مساعی او برای برقراری تعادل بین بخشها نتیجه نداد. سنی‌ها همچنان برای دستیابی به حسرت گذشته خود ادامه دادند. کردها به آرامی، اما با اطمینان شبه دولت خود را تشکیل داده‌اند. جمعیت ۶۰ درصدی شیعه نیز نتوانست خود را کاملاً صاحب عراق جدید احساس کند. فاصله‌ای که المالکی بین خود و واشنگتن ایجاد کرد، کاملاً ناکافی بود. در میان همه لایه‌های عراق این تصور شکل گرفت که رهبری کشور، آن را به غرب فروخته است. برای فرو ریختن عراق مثل خانه کاغذی فقط یک تکان کوچک از طرف اقلیت بسیار کوچک کافی بود. حتی دوره‌ای بود که رئیس جمهور جرج بوش (پسر) روسیه را به تقلید از «دمکراسی عراقی» دعوت کرد، که فراموش نکرده ایم پاسخ آن چنین بود: «ممنون، لازم نیست!» و این در عین حال یک شکست اطلاعاتی بود. به عنوان مثال، نشریه فارن پالیسی (سیاست خارجی) شکوه می‌کند: «اول کریمه، بعد عراق- سازمانهای اطلاعاتی امریکا که هزینه آنها سالانه به ۵۰ میلیارد دالر بالغ می‌شود، چرا از اینگونه رویدادها بی‌خبر می‌مانند؟»

همچنین در مورد ارتش لازم به گفتن است، که تشکیل ارتش جدید عراق در شرایط خاورمیانه هم ناکارآمدی کامل کاربست تئوری و تجربه ساخت و ساز نظامی امریکائی را به روشنی ثابت کرد. ستراتیژی مبتنی بر جنگ بی‌تماس فقط در صورت وجود همه اجزای تشکیل دهنده آن- از کنترل از فضاء گرفته تا مراکز زمینی پر قدرت داده‌ها- توانست نتیجه بدهد. اما معلوم شد، که امریکائیه ارتش عراق را بر پایه تجارت با هندیها تجهیز کردند- لوله‌های گرامافون را به پول گزافی به آنها فروختند نه خود دستگاه را. مریبان امریکائی فاقد تجربه رو در روئی با دشمن، نتوانستند سربازان عراقی را برای رویارویی مستقیم آماده سازند. زیرا شکست دشمن و ماندن موقتی در قلمرو آن در شرایط جنگ داخلی مطلقاً کافی نیست، باید شهامت و قابلیت ماندن دائمی در آنجا را داشت، و برای قربانی کردن خود در راه اهداف والا آماده بود. اما اجرای این امر نیازمند انگیزه‌ها و آموزشهای کاملاً دیگری می‌باشد. داعش از همه اینها در اشکال بنیادگرائی دینی و تجربه جنگ در سوریه برخوردار است، اما عراقی‌ها محروم از آنها. در عین حال، داعش با تاکتیکهای ناتو هم کاملاً آشناست و جای تعجب ندارد که کلیه در حدود ۲۰ هزار نفر مزدوران خارجی آموزش دیده طبق الگوی ناتوئی اعزامی به جنگ در سوریه که ۳ هزار نفر آنها اروپائی و ۳ هزار نفر دیگرشان ترک هستند، در صفوف آن می‌جنگند. با این حال، قدرتمندترین سلاح داعش «چرخ دستی» مدرن وسیعاً آزموده شده در جنگ سوریه است. ضمناً، پرچم سیاه بر بالای «چرخ دستی» پدیده جدیدی نیست، زیرا، آن را اولین بار کاشف خود، «بابا ماخنو» مورد استفاده قرار داد (اشاره است به نستور ایوانویچ ماخنو، ۱۸۸۸-۱۹۳۴، آثارشیشست اوکراینی، فرمانده «ارتش انقلابی اوکراین» در جنگهای داخلی علیه اتحاد شوروی. مترجم). «چرخ دستی»- وانت های شاسی بلند حامل مسلسل‌های سنگین (داشکه، نام محلی، مأخوذ از د. ش. ک. روسی) که قادر هستند در فاصله دو کیلومتر به «هامر»های محفوظ در محفظه تور سیمی تبدیل شده و از آتش توپخانه و تانک بگریزند. یک سال طول کشید تا خلبانان نیروی هوایی ارتش سوریه روش هدف قرار دادن آنها با موشکهای جنگنده‌ها و هلیکوپترها را فراگرفتند. تسلیحات دمدمی مزاج امریکائی در شرایط بیابانی نسبت به سلاحهای مشابه شوروی سابق که شورشیان ترجیح می‌دهند، تا حد زیادی غیر قابل اعتماد از آب در آمدند.

بی شک، در پشت چنین «کمک» مشکوک و اشنگتن در تجهیز ارتش بغداد، مسأله آنگونه خروج از عراق نهفته بود که آنها را دو باره فراخوانند. اما چنین شکستی را احتمالاً و اشنگتن انتظار نداشت. کاخ سفید بارها قربانی تکبر خود شده است. آن نیروهائی که واقعاً قرار است به عراق باز گرداند، در شرایط پیش آمده آشکارا ناکافی خواهند بود، و در عین حال، امریکائیا هم فعلاً برای حمله نظامی گسترده آماده نیستند. مثلاً، کارشناسان انگلیس عقیده دارند، که واقعیت «دخالت خارجی، احتمالاً، از طرف ایران خواهد بود نه از طرف امریکا. خلاف خواست امریکائیا، ممکن است تهران دینفع اصلی وقایع اتفاقیه باشد». رئیس جمهور ایران، **حسن روحانی** وعده داد که با «خشونت و تروریسم» داعش مقابله خواهد کرد. بر این مبنا، بنا به برخی گزارشها، در حدود دو هزار نفر از نخبگان سپاه «قدس» به عراق اعزام شده است، و فرمانده آن، ژنرال قاسم سلیمانی، سردار برجسته در سوریه، دفاع از بغداد را مستقیماً فرماندهی می کند. افزون بر این، دو لشکر و شش تیپ مکانیزه شامل ۵۰ هزار نفر، کاملاً وفادار به **نوری المالکی** از پایتخت کشور دفاع می کنند.

اما با احتساب افزایش منظم نیروهای شورشیان و با توجه به نوشته مطبوعات جهان در باره نزدیک شدن ۷ هزار شبه نظامی به شهر که شمار آنها در اصل بسیار بیشتر بوده، گفتن این که آیا این نیرو برای دفاع از بغداد کافیس، هنوز مشکل است. می توان گفت، اما در عین حال، به نظر می رسد که حملات، متناسب با ورود گروه های سنی به مناطق شیعه نشین، از جمله در خود پایتخت عراق، ناگزیر شروع به افت خواهند کرد. در طرف مقابل رادیکالیسم سنی ها، رادیکالیسم بسیار با انگیزه شیعه، به شکل، مثلاً، «ارتش مهدی»، منحل در سال ۲۰۰۷ و آماده به جنگ رو در رو به تدریج رشد خواهد کرد، که آن هم موجب شدت گرفتن و خونین تر شدن رویارویی طرفین خواهد گردید. در واقع، عراق با آهنگ رو به تزایدی به سوی تقسیم کشور به سه بخش مرکزی- سنی، جنوبی- شیعه و شمالی- کرد پیش می رود.

کردها به طور کلی با چنان وضعیت غیرمنتظره ای مواجه شدند، که توانستند آرمان بزرگ خود، آرمانی را که قبلاً از اعطای آن به طور قطع امتناع می کردند، به سهولت متحقق سازند. واحدهای پیشمرگه به شدت ایدئولوژیک و تک قومی آن (مجموعاً ۱۴۰ هزار نفر) جهادگرایان را از بخش قابل ملاحظه استان نینوا بیرون راندند و پایتخت تاریخی کرد، شهر میلیونی کرکوک و دارای منابع غنی نفتی را آزاد کردند. علاوه بر آن، دولت عراق موافقت خود را با حاکمیت اقلیم کردستان در خصوص ماندن نیروهای کرد نه تنها در این مناطق قبلاً مورد مناقشه عراق، حتی در مورد تصرف موصل نیز اعلام کرد. فلاح الفیاض، مشاور امنیت ملی کشور اظهار داشت: «نیروهای پیشمرگه قانونی هستند و در فهرست نیروهای امنیتی عراق به ثبت رسیده اند. بغداد و اربیل توافق کرده اند که آنها از امنیت عراق حفاظت نمایند و در آینده نزدیک به داعش حمله خواهند کرد». نمی توان تردید داشت، که کردها پس از تصرف این شهرهای مختلط کرد و سنی، در نظر ندارند از آنها خارج شوند. با الحاق آنها، جمعیت کردستان عراق بیش از یک و نیم برابر، حداقل تا ۸ میلیون نفر، و منابع معیشتی در قالب معادن غنی نفت، تا چندین برابر افزایش می یابد. احتمالاً، این همان بهائی است که شیعیان حاضراند به ازای حفظ حاکمیت خود در بغداد بپردازند. وضعیت تقریباً مشابه کریمه، اما فقط با این تفاوت پیش آمده، که غرب به تغییر وضعیت کریمه راضی نبود، ولی با الحاق موصل و کرکوک به کردها که قبلاً به شدت مخالفت می کرد، در واقع با سکوت خود، بی توجه به این که در آنجا همه پرسى هم برگزار نمی شود، موافقت می کند. مسأله، مثل همیشه، نه بر سر اصول، بلکه، بر سر منافع است.

با این حال، پس از عملاً تقسیم کشور، بحران عراق پایان نخواهد یافت. زمانی که همه ثروتهای نفتی در کرکوک و موصل در شمال، در کنترل کردها و در جنوب، در بصره تحت اختیار شیعیان قرار می گیرد، چنین شکلیندی به وجود می آید. بخش مرکزی سنی مناطق اشغالی را به سرعت از دست خواهد داد و در وضعیت فاقد منابع پایه ئی

ضروری برای ادامه موجودیت و توسعه رفتار خواهد شد. در نتیجه، توسعه طلبی سنی ها به منظور بازپسگیری از دست رفته ها، و همچنین، توسعه ایدئولوژی جهادی خود اجتناب ناپذیر خواهد بود. رویارویی شیعه و سنی به شدت ادامه خواهد یافت. دلایل کافی برای نگرانی وجود دارد، که این، به تدریج همه در سراسر خاورمیانه گسترش خواهد یافت. آتش فرو خفته مناقشه بین دو مذهب اصلی اسلام، شیعه- ایران و بنیادگرای سنی- عربستان سعودی می تواند با قدرت جدید در منطقه شعله ور شود.

گواه دیگر این مدعا، اطلاعیه صادره از طرف دولت عراق است که طی آن عربستان سعودی را مسبب بحران کنونی اعلام کرد. بر اساس این اطلاعیه، همین حاکمیت عربستان سعودی از شبه نظامیان سنی در عراق پشتیبانی کرده و آنها را مورد حمایت‌های مالی قرار می دهد. با این وصف، در زمانهای نزدیک مسأله امنیت نه تنها بغداد، حتی بسیاری از پایتخت‌های منطقه مطرح خواهد شد. توقف این واکنش زنجیره ای آسان نخواهد بود.

### حواشی مترجم:

تقسیم جمعیت جوامع انسانی بر اساس تعلق قومی، نژادی، ملی یا بر مبنای باورهای فلسفی- اعتقادی، یکی دیگر از تبهکاریهای غرب است، که به ویژه پس از رنسانس کذائی با شدت و حدت بی سابقه ادامه دارد. این پدیده مذموم، زائیده ذهن از دید تاریخی بیمار و ضد بشری به اصطلاح نظریه پردازان و ستراتیژیست‌های مزدور محافل حاکمه غرب است، که با هدف انحراف اذهان عمومی از مشکلات و معضلات اجتماعی و به تبع آن، به منظور تأمین منافع سارقانه خودشان صورت گرفت و کماکان می گیرد. برای اثبات این مدعا، اشاره به حوادث تاریخ نزدیک جهان، از جمله، به فاجعه خلق‌های یوگسلاوی، عراق و سایر کشورهای جنگ زده، ما را از یادآوری حوادث مشابه تاریخ دور، بی نیاز می سازد.

ضمناً، منشاء و مبنای تئوری عوامفریبانه تقسیم حاکمیتها به سکولار و «ایدئولوژیک» نیز همین تبهکاری باندهای مافیائی حاکم غرب است که خودشان اساساً از ایدئولوژیهای شدیداً ضدانسانی، مانند فراماسونری- صهیونیستی به شدت پیروی می کنند.

امروز و حتی، تا هر زمانی که استعمارگران غرب (منظور غرب ایدئولوژیک است نه جغرافیائی) به موجودیت خود به منوال کنونی ادامه می دهد، هر تصویری مبنی بر این که با مسکوت گذاردن انواع تبهکاریهای غرب، می توان تمامیت، استقلال و امنیت کشورها را حفظ کرد و شرایط و زمینه توسعه و ترقی آن را فراهم آورد، می توان آزادی، رفاه، آسایش و عدالت اجتماعی را در جوامع انسانی برقرار نمود؛ در واقعیت امر، چیزی جز به معنای سرگردانی ابدی در سراب بی انتهای تخیلات و گذران عمر در عالم خواب و رویا نمی تواند باشد.

استعمارگران کهنه و نو را باید مهار زد، رسوا کرد و از گوشه- گوشه عالم تا درون خانه خودشان که به حساب غارت بی حد و حصر ثروت‌های جهان و به قیمت درد و رنج میلیاردها انسان آباد کرده اند، بیرون راند.

<http://www.fondsk.ru/news/2014/06/20/padet-li-bagdad-28100.html>

۴ تیر- سرطان ۱۳۹۳